مطالب

[حسد 2](#_Toc428702359)

[حسد در ابعاد مختلف زندگی 2](#_Toc428702360)

[تکلیف ما در برابر رذایل 2](#_Toc428702361)

[عفو حسد در روایات 3](#_Toc428702362)

[وظیفه ما در برابر حسد 5](#_Toc428702363)

[روایتی در باب حسد 6](#_Toc428702364)

[مرگ 8](#_Toc428702365)

[معرفی امام موسی صدر 9](#_Toc428702366)

[فعالیت‌های امام موسی صدر 9](#_Toc428702367)

[هفته دولت 11](#_Toc428702368)

[رهنمودهای رهبری به دولت‌مردان 11](#_Toc428702369)

[قدردانی از مسئولان شهر 11](#_Toc428702370)

[دعا 12](#_Toc428702371)

نماز جمعه ـ اخلاق ـ حسد ـ شخصیت شناسی \_ امام موسی صدر ـ دولت

خطبه اول

**«بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی سیدنا محمد و آ له الاطيبين الاطهرين سيّما بقیه‌الله في الارضين، اَعوذ بالله السميعِ العليمِ من الشيطانِ الرجيمِ، بسمِ اللهِ الرحمنِ الرحيمِ، يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَ‏ تُقاتِهِ‏ وَ لا تَمُوتُنَّ إِلاَّ وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ[[1]](#footnote-1)»**

## حسد

همه شما برادران و خواهران بزرگوار و نماز گذار را به پارسائي، خویشتن‌داری، صبر و بردباري، شكر و سپاس خداوند سفارش و دعوت می‌کنم. اميدوارم با عنايات بيكران الهي همه ما از بندگان پارسا، شكيبا و موفق در بارگاه خداوند قرار بگيريم. بحث امروز در مورد يكي از خصلت‌های ناپسند و نکوهیده اخلاقي است كه هم در ابعاد فردي و هم در ابعاد اجتماعي و خانوادگي، پيامدها و دستاوردهای منفي بسیاری دارد و از رذایل اخلاقي است كه هم در قرآن كريم، مورد نكوهش قرارگرفته و هم در منابع و کتاب‌های روایي ما، مورد مذمت فراوان قرارگرفته است. اين خصلت و رذيلت اخلاقي، «حسد و رشك بردن» است. همه شما برادران و خواهران بزرگوار در بحث‌هایی كه شنیده‌اید و مطالعاتي كه داشته‌اید ، به‌طورقطع در باب حسد، حسادت و رشك بردن به ديگران، مطالب زيادي شنیده‌اید که به‌عنوان صفتی زشت و درختی فاسد كه اگر در قلب و روان انسان بنشیند، آثار و ضررهاي زيادي دارد. انشاء الله در حدود دو یا سه خطبه در باب حسد به استناد آيات و روايات و مطالبي كه در علم روانشناسي آمده، مسائلي را عرض می‌کنم و اميدوارم كه بحث و گفتگو پيرامون این مبحث بسيار مهم اخلاقي، منشأ اين باشد كه انشاء الله همه ما تلاش كنيم، خودمان را از اين رذيلت و صفت ناپسند اخلاقي دور بداريم.

### حسد در ابعاد مختلف زندگی

همان‌طور که عرض كردم، حسد و حسادت يك صفت بدي است كه علاوه بر آن‌که روح انسان را پائين می‌آورد و موجب آلودگي و كدورت شديد روح، جان و روان آدمي می‌شود؛ در ابعاد خانوادگي، اجتماعي و روابط انسان‌ها هم تأثيرات بسيار منفي باقي می‌گذارد؛ بخصوص وقتی‌که اين صفت حسد كه بعداً تعريف خواهم كرد، اگر بخواهد در عمل و رفتار انسان ظهور و بروز پيدا كند، بسياري از صفات، افعال و رفتارهای ناپسند ما در روابطمان در خانواده، جامعه و در روابط خويشاوندي، كاري و اجتماعي به آن روحيه حسادتي كه اصلش هم در طبيعت انسان هست برمی‌گردد.

### تکلیف ما در برابر رذایل

همه ما مكلفيم كه جان و روحمان را از آسیب‌ها و آفت‌های اخلاقي مصون بداريم و پالايش كنيم و تلاش كنيم آن را از خودمان دور كنيم. البته اين نكته را عرض كنم كه آن‌قدر حسادت و رشك بردن به ديگران در روح و جان آدم رایج و قوي است كه انسان به‌سادگی نمی‌تواند اين درخت را از بن و ريشه بركند. اين كار به‌سادگی ميسر نيست و به دليل این‌که در روايات آمده كه ما ازیک‌طرف ما وقتی‌که به روايات مراجعه كنيم، می‌بینیم كه هر چه شما در نكوهش و مذمت حسد تصور كنيد، داد سخن داده‌شده است؛ هم در آيات قرآن كريم، هم در رواياتي كه از پيامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) و هم رواياتي كه از ائمه طاهرين نقل‌شده؛ هم در رواياتي كه اهل تسنّن نقل کرده‌اند و هم در رواياتي كه شيعه از پيشوايان معصوممان نقل کرده‌اند، هر چه بگویيد نقل‌شده است که ان‌شاءالله به‌تدریج در طي چند خطبه‌ای كه پيرامون حسادت بحث خواهيم كرد، ملاحظه می‌کنید.

### رفع قلم از حسد در روایات

در روايتي كه چند نوع نقل‌شده، آمده كه خداوند از چند چيز قلم را برداشته، در بعضي روايات سه امر، در بعضي دیگر شش امر و در رواياتي هم نه امر ذکرشده كه خدا بر این‌ها عذاب نمی‌کند و انسان‌ها را به خاطر آن‌ها مؤاخذه نمی‌کند. قصد ندارم وارد بحث این سه يا شش يا نه امر شوم؛ زیرا بحث ديگري دارد. يكي از چیزهایی كه در اين روايات آمده كه خدا مردم را به خاطر آن مؤاخذه نمی‌کند، حسد است. می‌فرماید: خدا، مردم را به خاطر حسادت مؤاخذه نمی‌کند و خدا بر بندگانش منت گذاشته است و آن‌ها را بر حسادت عذاب نمی‌کند.

#### تناقض ظاهری در روایات باب حسد

سؤالي كه اينجا مطرح است این است که چطور اين دو مورد را باهم جمع می‌کنید؟ به اين سؤال دقت كنيد تا ان‌شاءالله جوابي كه می‌دهم، موردتوجه قرار بگيرد. ازیک‌طرف شايد مبالغه نباشد که بگوییم: بيش از صد روايت و چندين آيه، حسادت را به‌عنوان يك گناه كبيره تلقّي كرده و وعده عذاب بر آن داده‌شده و این‌که آدم مبتلاي به حسادت، چشم‌وهم‌چشمی بيجا و رشک بردن بر نعمتي كه خدا به ديگران داده، بشود مورد مذمت فوق‌العاده قرارگرفته و این‌قدر نكوهش شده این‌یک طرف قضیه؛ اما در طرف دیگر رواياتي واردشده كه می‌گوید: خداوند به خاطر چند چيز، منت می‌گذارد، می‌بخشد و مورد مؤاخذه و عذاب قرار نمی‌دهد كه يكي از آن‌ها حسادت است. حال سؤال اين است كه چطور اين دودسته روایت باهم جمع می‌شوند. این پرسش در روايات و اخلاق اسلامي سؤالی مهم است كه ازیک‌طرف می‌گوید: حسد، ايمان را می‌خورد و همه ايمان را در خودش می‌بلعد. حسد شخصيت انسان و معنويت انسان را منکوب می‌کند. اين ازیک‌طرف ولي از آن‌طرف هم روايات می‌گوید: خداوند منت گذاشته و شمارا به خاطر حسد عفو می‌کند، سؤال اين است كه اين دو مطلب كه در روايات آمده، چطور باهم جمع می‌شوند؟

###### رفع تناقض

احتمالاً برادراني يا خواهراني باشد كه جواب اين پرسش در ذهنشان باشد؛ اگر هست، كه من یادآوری می‌کنم اگر هم در ذهن كساني جواب اين سؤال نيست، اين را من توضيح می‌دهم، دقت كنيد. جواب اين سؤال اين است كه حسادت به‌عنوان يك صفت اخلاقي، آن‌قدر دامن‌گیر بشر است و ابتلاي به اين مرض، وسيع و گسترده است كه مادامی‌که در قلب باشد، خدا به خاطر آن، او را عذاب نمی‌کند. حسادت به‌عنوان يك امر اخلاقي در قلب انسان، خيلي بد، بسيار زشت، بسيار آفت و ناهنجاری و مرضي كشنده است؛ لکن درعین‌حال اين مرض آن‌قدر وسيع و گسترده است و انسان‌ها در سطح فراگيري به آن مبتلا هستند كه خدا منت گذاشته و می‌فرماید: من می‌دانم که شما نمی‌توانید بر حسادت در قلب و درون خودتان فائق آیید؛ زیرا غلبه شما بر حسادت، به اين سادگي امکان‌پذیر نيست. خدا منت گذاشته و می‌فرماید: من عذابت نمی‌کنم. براي انسان بسيار مذموم و نكوهيده، زشت و قبيح است كه در روح و روانش مبتلاي به حسادت باشد؛ اما اینکه آدم خودش را از اين آفت آزاد بكند، آن‌قدر مشكل است كه خدا لطف كرده و می‌فرماید: من تا وقتی‌که این بیماری در دلت باشد تا وقتی‌که در اعضاء و جوارح، گفتار و رفتار تو و برخورد اجتماعي تو با ديگران اين حسادت رو نيايد، تو را بر آن عذاب نمی‌کنم و می‌بخشم ؛ اما اگر اين حسادت از قلب بيرون زد و از دل فراتر آمد؛ یعنی در رفتار، سخن، برخورد و گفتار من بروز و ظهور پیدا کرد، آن‌وقت خداوند بر حسادت به‌شدت عذاب می‌کند و از کبایر هم تلقي می‌شود. اين جمع اين دودسته روايات است؛ رواياتي كه می‌گوید: حسادت گناه كبيره است و ايمان انسان را می‌بلعد مؤمن مادامی‌که مؤمن است، هرگز حسد نمی‌ورزد و از آن‌طرف هم رواياتي می‌گوید: حسد را بر بنی‌آدم بخشیديم. چند نوع جمع شده که يكي از جواب‌هایش را من اینجا عرض كردم. چند جواب ديگر هم در کتاب‌ها داده‌شده كه شايد دور از ذهن باشد و من وارد آن جواب‌ها نمی‌شوم. جواب ساده و راحتش همين است تا وقتی‌که در دل انسان است، صفت، مانع و مزاحم بدي در روح و روان انسان است و مانع رشد و كمال انسان می‌شود، اما خدا عذاب نمی‌کند درحالی‌که بدي این صفت سر جاي خودش است. انسانی كه در دلش رشك می‌برد به ديگران و آرزو می‌کند كه نعمت از ديگري زایل بشود، مثلاً برادرش، خويشاوندانش، رفيقش یا فردي در جامعه داراي يك نعمتي است، خانه‌ای دارد، زندگي مرتبي دارد، امكاناتي دارد، علمي دارد، سوادي دارد، یا مقامي دارد، اگر كسي دلش بخواهد كه اين را از او بگيرد، اين بسيار خصلت بدی است و نشان‌دهنده‌ی ضعف شخصيت و ضعف ايمان چنین شخصی است؛ اما تا وقتی‌که در دل باشد، خداوند می‌فرماید: بخشيدم؛ زیرا به‌سادگی ما و شما نمی‌توانیم خودمان را از حسادت خلاص كنيم. اين مثل ميكربي است كه آمده و همه یک شهر را فراگرفته و غالب انسان‌ها در روح و روانشان مبتلاي به اين میکروب‌، آفت و اين مرض بسيار بد وزشت‌اند؛ اما چون اين مرض خيلي فراگير است و خيلي دامن‌گیر است، آزاد شدن از اين صفت بسيار مذموم اخلاقي بسيار دشوار است. خداوند می‌فرماید: تا وقتی این صفت را در دل نگه داشتيد، اشكالي ندارد. بله این صفت بسیار بدی است و شخصيت شمارا منكوب می‌کند و عظمت روح شمارا موردتعدی قرار می‌دهد؛ اما من شمارا جهنم نمی‌برم به این خاطر ‌که حسادت وقتی در زبان، رفتار و برخوردتان با ديگري ظاهر شود، موجب جهنم، عقاب و عذاب خدا می‌شود. وقتی به كسي می‌رسم كه خدا نعمتي به او داده، اگر اخم كنم، حرف بدي به او بزنم یا احياناً جایی حقش را زير پا بگذارم و خلاصه به نحوی اين صفت را در عمل و ظاهر نشان بدهم، اين جزء گناهان كبيره به‌حساب می‌آید. در این صورت خداوند بر آن صفت هم عقاب می‌کند و هم آدمی را به جهنم می‌برد. اين جمع دودسته روايات است. بازهم تكرار می‌کنم كه اين دودسته روايات باهم تعارضي ندارد و به‌اصطلاح علمي، ناسازگار نيستند و نتيجه اين می‌شود كه در روايات، بر حسادت به‌عنوان يك ميكروب و آفت سلامت و كمال شخصيت تأكيد شده است و امری بسيار مذموم و ناپسند براي روح و روان انسانی است كه مبتلاي به حسادت باشد؛ لکن تا وقتی‌که در دل باشد. ضمن اينكه روايات می‌گوید: این صفت بسیار بد است و تأكيد می‌کند كه هر مؤمني بايد بكوشد كه خودش را از اين اخلاق ذميمه راحت و آزاد كند؛ اما درعین‌حال اگر حسد در عالم درون و روح باشد، خدا می‌گوید: من شمارا می‌بخشم، منت می‌گذارم و به شما تخفيف می‌دهم و از باب لطف و مهرباني بر شما می‌بخشم؛ و اگر روزي اين صفت بد و ناپسند در عمل شما، در اخم شما، در قهر شما یا برخورد نامناسب شما ظهور پيدا كرد، آن‌وقت من بر همان صفت شمارا عقاب و عذاب می‌کنم و به‌شدت هم عذاب می‌کنم و این گناه، از گناهان کبیره‌ای كه خداوند بعدش وعده عقاب و جهنم داده تلقي می‌شود. این مطلبی در باب حسادت بود كه به یاد داشته باشيد.

### وظیفه ما در برابر حسد

اين مطلب كه من دودسته روايات را عرض كردم و به يك جواب جمعش كردم، جواب‌های ديگري هم دارد. جواب درست‌تر و راحت‌ترش را عرض كردم که نتیجه‌اش اين می‌شود كه ما دو كار بايد بكنيم و در مقامی كه احساس كرديم در برابر يك فرد ديگري مبتلاي به حسادت و رشك بردن و هم‌چشمی شديم كه مؤدّي به حسادت است، دو كار وظیفه ماست:

نگذاريم اين امر قلبي در عملمان ظاهر شود و بگذاريم در دل مخفي بماند. انسان نمی‌تواند ریشه‌ی بسياري از صفات ناپسند را کاملاً از دل بركند؛ اما بايد تلاش كند تا نگذارد اين حسادت در عمل انسان ظاهر شود. اين وظیفه اول ماست. اگر خويشاوندی، برادري، همكاري و دوستي داريم یا فردي در جامعه هست كه می‌بینیم خداوند به او لطف و عنايتي كرده، فكر نكنيم كه آرزوي از بين رفتن اين نعمت و گرفتن اين نعمت از او، دردی و مسئله‌ای را از ما حل می‌کند. خیر تا در برخوردمان با او بد عمل نكنيم، اخم نكنيم، قهر نكنيم، بد نگوییم و به هر نوعي كه ممكن است كه انسان در عملش حسد ظاهر شود، عقاب نداریم. حال حسدورزی در خانه و با اعضاي خانواده به نحوی، با اقوام به نحو دیگر و با همكاران در محيط اداري و كار و اشتغال به نحو ديگر و در محيط عام جامعه هم به شکل ديگري است. اولين وظیفه ما در مبارزه با اين صفت مذموم اخلاقي اين است كه نگذاريم اين صفت در عملمان، خودش را نشان بدهد و سعي كنيم با تلاش، با كوشش، با رياضت، با تمرين كه نسبت به برادرمان، خواهرمان، دوستمان، خويشاوندمان، همسایه‌مان، همشهری‌مان، هم کشوری‌مان، كسي كه خدا به او لطفی كرده و من آن را ندارم، اولين تلاش اخلاقي من بايد اين باشد كه نگذارم در عمل، اين صفت ظهور پيدا کند. برخوردم، دلسوزيم، راهنمایی‌ام و ... را مثل يك انسانی كه اين صفت را ندارد، عمل كنم. اگر راهنمایی خواست راهنمائيش كنم و بااخلاق خوب با او تعامل كنم و همه آن وظائف را انجام بدهم و نگذارم حسادت بيايد. رياضت کشیدن رو اين مسئله، خيلي ارزش دارد. اين تمرين عملي كه اولين وظیفه يك انسان مؤمن است، روح و روان انسان را خدایي می‌کند. اگر انسان تلاش كند که اين اثر را در عملش ظاهر نكند، خداوند راه را نشان مي‌دهد و وقتی‌که آدم مبارزه با نفس خودش بكند، خداوند راه‌های خیروبرکت را به انسان نشان می‌دهد. خداوند در اين اخلاقيات خيلي لطف می‌کند، شما و ما نمی‌دانیم كه اگر كسي مبارزه با نفس و مجاهده با خلق‌های ناپسند را پيشه کند و مبناي زندگی‌اش قرار بدهد، خداوند چطور درهاي نور و هدايت را به او باز می‌کند و چه لذت‌های معنوي به او عنایت می‌کند. ما از آن عوالم بسيار پربرکت و معنويتي كه راهش اين است كه **«والذين جاهدوا فينا لنهدينهم سبلنا[[2]](#footnote-2)»** بايد مجاهده كنيم، غافليم. در حسادت هم اولين عمل، وظيفه و مجاهده ما اين است كه نگذاريم در ظاهر رفتار ما، در چهره ما، برخورد ما، رفت‌وآمد ما و تعامل ما با ديگران، حسادت ظهور پيدا كند. اين اولين وظیفه‌ ماست و اگر اين مجاهده را انجام داديم، درهاي نور الهي را به روي ما باز می‌کند اما اين كافي نيست و باید ذره‌ای عمیق‌تر بشويم. البته اين كار مشکل‌تر است انسان‌های معمولي به اين سادگي نمی‌توانند، انجام بدهند اين كار يك عشق می‌خواهد، يك محبت الهي می‌خواهد، يك عالم عرفاني می‌خواهد، يك بصيرت واقعي نسبت به خداوند و عوالم معنوي می‌خواهد كه انسان بتواند در اين گام بيايد. پس در قدم اول انسان تمرين می‌کند، رياضت می‌کشد و زحمت می‌کشد كه در عمل خودش نسبت به همسرش، برادرش، خواهرش، فرزندش، خويشاوندش، دوستانش، همشهريانش و افرادي كه مورد لطفي قرارگرفته‌اند و خداوند، نعمتي به‌آن‌ها داده؛ حال چه نعمت مادي و چه نعمت معنوي؛ انسان تلاش کند كه با او هم به‌خوبی برخورد كند و به خاطر این‌که او دارد و من ندارم، با او بد عمل نكنم. اين كار تا حدي امکان‌پذیر است و وظیفه همه ماست كه انجام بدهيم و اگر انجام ندهيم، گناه كبيره کرده‌ایم؛ اما اين قدم اول است كه ذره‌ای راحت‌تر است.

اگر بخواهيم پرواز بكنيم، اوج بگيريم و وارد گام بلندتر و بالاتری بشويم باید برگرديم به دلمان، سعي كنيم واقعاً حسادت را از دل بركنيم. اين كار، كار مشكلي است و به دلیل این‌که فوق‌العاده اين كار مشكل است، در حديث رفع كه در کتاب‌های اصول فقه ما آمده است و اول بحثم اشاره كردم، رسول خدا نقل می‌کند كه خدا عنايت كرده، منت گذاشته و عذاب نمی‌کند ولي خيلي بد است. اگر انسان بخواهد برود در عالم عرفان، اخلاق و معنويت و بخواهد چیزهای ديگري را در اين عالم حس کند، بايد برود در دلش و ریشه حسادت را از آن جاي اصلي بركند. البته اين كار خيلي دشوارتر است. در صد نفر انسان شايد يكي موفق به اين كار بشود ولي همه ما بايد آن تلاش را انجام بدهيم؛ زیرا خود آن تلاش هم ارزش دارد، ولو خيلي هم كامل به نتيجه نرسيم. اين در باب حسادت است.

عرض امروز من در اين خطبه، دو مطلب شد: يكي این‌که روايات ما از طرفی حسادت را گناه كبيره و عذاب‌آور و موجب جهنم دانسته و از طرف دیگر گفته: خدا می‌بخشد. جمع اين روايات اين بود كه اگر شما حسادت را در عمل ظاهر كردي، گناه كبيره است و خدا هم عقابت می‌کند؛ اما تا وقتی‌که در دلت باشد، بسيار بد است؛ لکن خدا به خاطر آن، جهنم نمی‌برد، مگر این‌که در عملت ظاهر شود. مطلب دوم این بود كه ما در برابر اين آفت، اين سم مهلك ايمان و اين صفت بسيار مضمومي كه تأثيرات و پیامدهای منفي عظيمي در خانه و جامعه و براي فرد در دنيا و آخرت دارد، دو كار بايد انجام بدهيم كار اول این‌که تمرين كنيم در عملمان اين حسادت نیاید. وقتي می‌خواهد این‌ حسادت‌ها از درون ما به رفتار ما بیاید، ايست بازرسي بگذاريم و نگهباني بدهيم. دقت كنيم كه اين صفت دروني در برخورد من با صاحب نعمت و باکسی كه خدا به او لطفي كرده ظاهر نشود که تمرين می‌خواهد. قدم دوم این‌که تلاش كنيم تا دل را معالجه كنيم و اين مرض بسيار ناپسند قلبي را مورد معالجه و مداوا قرار بدهيم. اين هم مطلب دوم، بحث من ادامه دارد.

### روایتی در باب حسد

در پايان اين قسمت از بحث، روايتي را كه در كتب اهل تسنّن نقل‌شده و قاعدتاً بايد روايت درستي هم باشد و با قواعد هماهنگ است را عرض می‌کنم اين روايت به اين شكل است كه روزي اصحاب در محضر رسول گرامي اسلام حضرت محمد بن عبدالله (ص) بودند، ديدند كه رسول خدا پيامبر مكرم اسلام (ص) از يكي از اصحاب حاضر در جلسه، خيلي تمجيد و تعریف كرد. البته اين نكته را همه می‌دانستند كه تعريف پيغمبر اكرم (ص) مثل تعريف‌های ما نيست كه احياناً بی‌حساب‌وکتاب باشد. حتماً اين تعريفي كه كردند و تشويقي كه نسبت به يكي از اصحابشان كردند يك رازي دارد، يك نکته‌ای دارد كه آن را بايد پيدا كرد؛ بنابراین اصحابي كه آنجا بودند و اين را شنيدند به این فكر فرورفتند که ببينند چه خصوصيتي در اين فرد است كه به این صورت مورد تقدیر و تجليل و تكريم و تشويق رسول خدا قرارگرفته. پيامبر گرامي اسلام (ص) آنچه می‌گوید، جز وحي و استناد به وحي، چيزي نيست**«ان هو الاّ وحيٌ يوحي»[[3]](#footnote-3)**. تعریف پیامبر به این صورت، يك رازي دارد. همه رفتند دنبال این‌که ببينند، او چه‌کار می‌کند، چه ذكري می‌گوید، چه وردي انجام می‌دهد، چه اعمال نيكي انجام می‌دهد كه این‌جور موردتوجه پيامبر بزرگوار اسلام (ص) قرار گرفت. راوي می‌گوید: هركسی، زندگي اين شخص را زير نظر قرارداد و زواياي زندگي او را موردتوجه قراردادند تا ببينند چه نکته‌ای در كار او پيدا می‌شود. ديدند كه این‌طور نيست که اعمال عبادي مخصوصي انجام بدهد و يك برنامه خيلي خاصي داشته باشد، اعمال عبادی‌اش را طبق عادي مردم انجام می‌دهد ، نمازي می‌خواند، نماز جماعتي می‌رود و طبق معمول زندگي می‌کند. بسياري از وقت‌ها اولياي الهي پيدا می‌شوند كه زندگي ظاهرشان مثل بقيه است ولي اگر نزديك بشويد، می‌بینید يك گوهري را پیداکرده‌اید. اگر اين گوهرها را در ميان جامعه پيدا كرديد قدرشان را بدانيد. افراد كم شمار اندكي از اولياي خدا هستند که مورد لطف خدا هستند و در ميان مردم گم‌اند و ویژگی‌هایشان شناخته‌شده نيست. به‌هرحال، اين فردي كه افتخار بزرگ تعريف و تمجيد رسول خدا را كسب كرده بود را زير نظر گرفتند و زواياي زندگي او را بررسي كردند، ديدند كه حالت عادي دارد و نمازها و اعمال عادی‌اش را انجام می‌دهد و شب هم با توجه به خدا می‌خوابد. ذكر هنگام خواب و توجه به خدا قبل از خواب خيلي مورد تأكيد است و صبح هم به يك حالت طبيعي بلند می‌شود و نمازش را می‌خواند و دنبال كارش است.

ديدند چيز تازه‌ای در زندگي او پيدا نمی‌شود. برایشان سؤال بود. روزي به او گفتند: ما آن تعریف‌های رسول خدا (ص) را شنيديم، بعد هم آمديم در زندگي تو ديديم که تو هم مثل بقيه ما زندگي می‌کنی، چیست که این‌طور رسول خدا (ص) به تو عنايت داشت. حال جواب اين آقايي كه آن‌جور موردتوجه نبي مكرم اسلام حضرت محمد مصطفي (ص) بود، این بود که گفت: **«ما هو الاّ ما رأیت[[4]](#footnote-4)»** زندگي من همين است كه می‌بینید، نمازم را می‌خوانم، روزه‌ام را می‌گیرم، عباداتم را انجام می‌دهم و همه وظائف عادي يك مسلمان را انجام می‌دهم و چيزي غیرازاین نيست جز يك مطلب و البته دو چیز در اینجا آمده و آن اين است كه **«غَيْرَ أَنِّي لَا أَجِدُ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ فِي نَفْسِي غِشّا وَ لَا حَسَداً عَلَى خَيْرٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ إِيَّاه‏[[5]](#footnote-5)»** من هیچ‌چیزی ندارم جز يك صفت ولي اين صفت خيلي مهم است. اين شخص بايد ولی‌ای از اولياي خدا باشد تا به اینجا برسد. ما و شما به اين سادگي نمی‌توانیم به اینجا برسيم من هيچ برنامه ویژه‌ای در زندگي خودم ندارم جز این‌که در دلم نسبت به برادرانم به خاطر این‌که خدا لطفي به آن‌ها كرده، احساس حسد نمی‌کنم، احساس كينه نمی‌کنم، همين يك نكته در من است. نگفته كه حسد را در ظاهر عمل نمی‌کنم و نشان نمی‌دهم، می‌گوید: در دلم حسد نيست، اين خيلي مقام بلند عرفانی است. اين بصيرتی عالي عرفاني می‌خواهد كه كسي چنان همه عالم را از خدا بداند و چنان به مقام فناي الهي رسيده باشد كه در دلش نسبت به هیچ‌کس احساس حسادت نكند. زندگي من همه‌چیزش مثل شما است اما در دلم حسادت براي ديگران نيست. حال خودتان حساب كنيد، همه برويم خودمان را حساب كنيم، كمتر بين ما كسي پيدا می‌شود كه مبتلاي به حسادت نباشد و رسيدن به آنجا خيلي مشكل است. شما حساب كنيد خانه، جامعه و محدوده‌ای كه افراد او تلاش بكنند که حسادتشان را نشان ندهند و بالاتر این‌که تلاش كنند حسود نباشند، آن جامعه چقدر آرام می‌شود، چقدر بهنجار می‌شود، تعادل پيدا می‌کند و سعادت پيدا می‌کند.

**«اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم، قل اعوذ برب الفلق، من شر ما خلق، و من شر غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات في العقد ومن شر حاسد اذا حسد[[6]](#footnote-6)»**

**«اعوذ وبالله السميع العليم من الشيطان الرجيم نحمده علي ماكان ونستعينه من امرنا علي مايكون .. . »**

خطبه دوم

## مرگ

**بدانيد كه خداوند شمارا بی‌هدف نيافريده است. شمارا بی‌جهت و بي غايت رها نكرده است. بدانيد كه ميان شما و بهشت يا جهنم الهي جز مرگ فاصله‌ای نيست. تنها يك پل در جلوي روي شما قرار دارد كه عبور از آن شمارا به بهشت يا جهنم می‌رساند** «وَ إِنَّ غَايَةً تَنْقُصُهَا اللَّحْظَةُ وَ تَهْدِمُهَا السَّاعَةُ لَجَدِيرَةٌ بِقِصَرِ الْمُدَّةِ»[[7]](#footnote-7) **، آن نقطه پاياني كه هر نفس و لحظه‌ای آن را كوتاه می‌کند و هر ساعتي شمارا به آن پايان نزديك می‌کند، بسيار نزديك است، آن را دور مپنداريد. آن مرگي كه شما آن را غايب و پنهان می‌پندارید، حاضر است؛ زيرا كه دو رشته شب و روز به‌سرعت آن پايان را به شما نزدیک می‌کند. آن امر نهان و مخفي كه شب و روز، شمارا به‌سرعت به آن نزديك می‌کنند، مخفي نيست و مثل آفتاب روشن و آشكار است** «لحری لسرعة الاوبة»[[8]](#footnote-8) **آن به‌سرعت به سمت شما درحرکت است و مرگي است كه شمارا به رستگاري بی‌پایان يا شقاوت ابدي مبتلا می‌کند. شايسته است كه شما همه كوششتان را براي آن بكار گيريد. با مرگ، شما يا شاهد پيروزي هستید و سعادت جاويدان را به آغوش می‌کشید يا در مهلک عظيم عذاب و شقاوت خدا قرار می‌گیرید. اين پايان درخور آن است كه همه تلاش‌ها و کوشش‌های ما را به خود معطوف دارد. اين پايان شماست و چه زيبا پيشواي پارسايان و امیر مؤمنان علی (ع) آن را ترسیم كرده است** «فتزوّدوا في الدنيا من الدنيا ماتحرزون به انفسكم غداً»**[[9]](#footnote-9) پس در اين دنيا، از همين دنيا توشه‌ای برگيريد كه شمارا در آخرت در حرز و دژ امين و استواري قرار دهد. عرصه قيامت، عرصه بلاها و خطرهاي بی‌پایان است. امروز شما بايد خود را در دژ محكم و در خانه امني قرار دهيد كه روز قيامت شمارا از آن‌همه خطرها و بلاها مصون دارد،** «فَاتَّقَى عَبْدٌ رَبَّهُ‏ نَصَحَ‏ نَفْسَهُ‏ وَ قَدَّمَ تَوْبَتَهُ وَ غَلَبَ شَهْوَتَهُ»**[[10]](#footnote-10)، بندگاني رستگار شدند كه تقواي خدا را پيشه كردند، خيرخواه خود بودند و توبه را پيشاپيش مرگ تقديم خداوند كردند و بر شهوات كمرشكن خود غالب شدند. آن اجل امروز مخفي است و آن آرزوها، گول زننده است؛ اما به‌سرعت مثل چشم به هم زدنی، آن امر مخفي براي شما آشكار خواهد شد و آمال و آرزوهاي طولاني و خیال‌ها و وسوسه‌های شيطاني و كاخ عظيم آمال نفساني هنگام مرگ فرو خواهد ريخت. شما خود را براي آن روز آماده كنيد. اين بخشي از توصیه‌های زيبا، دل‌نشین و پرجاذبه مولا امیر مؤمنان علی (ع) به تقوا و پارسائی بود. خدايا به ما توفيق فهميدن این توصیه‌ها و تخلق به اين خلق‌های زيبا و نيكو را عنايت بفرما.**

## معرفی امام موسی صدر

نهم شهريور يعني همين امروز، مصادف با واقعه‌ای در لبنان است. در طول حدود بیست‌ سال قبل كه شايد تابه‌حال، هیچ‌وقت در موردش صحبت نكرده باشم؛ اما امروز مناسب ديدم كه یادآوری بكنم. در تاريخ 9/6/1357 در همان سال پيروزي انقلاب درصحنه لبنان و درواقع در عرصه جهان اسلام، واقعه‌ی ناگواري اتفاق افتاد كه همچنان هم ادامه دارد و آن مخفي شدن و ربوده شدن آیت‌الله بزرگ مرحوم سيد موسي صدر است، كه من براي تجليل و قدرداني از يك عالم و شخصیت بزرگي مانند ايشان، مناسب ديدم كه در چند نكته توضيحاتی بدهم. مرحوم آیت‌الله سيد موسي صدر از خانواده‌ای است كه در طول قرن‌ها از آغاز صدر اسلام تا دوره‌ی ما هميشه و در همه قرن‌ها، از درون خودش علما، فقها، محدثان و چهره‌های بزرگي را تحويل عالم اسلام داده. شايد ما، خانواده‌ای با اين عظمت و بزرگي كه دائم در هر قرني و در هر مقطعي پس از مقطعي انديشمندان، متفكران و چهره‌های بزرگي را تحويل داده باشد، كم داشته باشيم. شهيد ثاني و سيد اسماعیل صدر از اين خاندان بوده‌اند و بسياري از متفكران از اين دودماني كه به امام موسي بن جعفر منتهي می‌شود، برخاستند. در دوره معاصر ما، دو نفر از اين خانواده از چهره‌های بزرگ داشتيم؛ يكي مرحوم سيد محمدباقر صدر كه در نجف به شهادت رسيد؛ و يكي هم آیت‌الله سيد موسي صدر كه در لبنان بودند. من اولاً می‌خواهم بگویم: هر دو شخصيت در همان سال پيروزي انقلاب از امت اسلامي گرفته شدند. شخصیت‌هایی نابغه، متفكر و سياستمداران اثرگذار و بسيار مؤثر در جهان اسلام بوده‌اند. هردوي اين بزرگواران از كساني بودند كه می‌توانستند كشوري را زیرورو بكنند و تحولات بزرگي را به وجود بياورند. من خيال می‌کنم با نقشه واحد، طرح و توطئه‌ای اين دو چهره بزرگ كه از يك خاندان هم بودند و هر دو هم از نوابغ حوزه‌های شیعه ما بودند، از جهان اسلام گرفته شدند. مرحوم آیت‌الله شهيد صدر را با آن وضع فجيع در زندان به شهادت رساندند. يك مرجع تقليد باآن‌همه بزرگي كه شهيد صدر دارد را ما نداريم. در تاريخ معاصرمان نابغه‌ای مثل شهيد صدر نداريم. در عراق با همه عظمت علمی‌اش در سال انقلاب به شاگردانش و مقلدانش، در نامه‌ای نوشت: «ذوبو في الامام كما ذاب هو في الاسلام» به مقلدانش نوشت شما خود را فاني در امام بكنيد، همان‌طور كه او خودش را در اسلام ذوب كرده.

### فعالیت‌های امام موسی صدر

با آن حرکت‌های بزرگ و آثار علمي عجيب و عظيمي كه مرحوم شهيد صدر داشت ايشان را آنجا شهيد كردند. در همان سال، حدود دو سال قبل و بعد از پيروزي انقلاب، مرحوم كه نه ان‌شاءالله زنده‌اند و برمی‌گردند، آیت‌الله صدر را در سفري كه به ليبي داشتند، ربودند و بعد از بیست‌ودو سال هنوز هم هيچ خبري از ايشان نيست که قصه طولاني دارد كه من نمی‌خواهم وارد آن جزئيات بشوم. آقاي سید موسي صدر در حوزه قم تحصیل‌کرده بود از خاندان بزرگ مرجعيت برخاسته بود، به درجات والاي علمي رسيده بود، بر اساس يك وظيفه ايشان از ايران به لبنان رفت و كاري كه ايشان در لبنان براي شيعیان، مسلمانان، فلسطینیان و مسیحیان در آنجا كرد، كار عظيمي بوده كه ما كمتر رهبر سياسي با اين اقتدار فكر و عظمت داريم. آقاي صدر وقتی‌که به لبنان رفتند اولاً ايشان باعظمت روحي خودشان با درايت، سياست و کیاست خودشان، شيعيان كه يك بخش معظمي در لبنان هستند و در آن زمان زير فشارهاي شديد، فقر، فلاكت، عقب‌افتادگی، پراكندگی و فلاکت‌زده و پر مشکل بودند را به يك جمعيت قوي منسجم و اثرگذار درصحنه سياسي لبنان و خاورمیانه مبدل كرد. يكی از كارهای بسيار عظيم ايشان اين بود، بانفوذ خودش، با كلام خودش، بافکر خودش، با سخن خودش، باایمان و اخلاص خودش، يك جمعيت پراکنده شيعه در يك كشور بسيار مهم در قلب خاورمیانه و در مجاورت با اسرائيل را به يك جمعيت آبرومند سرافراز و باافتخار مبدل كرد كه تا امروز شيعياني كه دست‌پرورده او بودند را می‌بینیم که در جنوب لبنان چه افتخاراتي آفريدند و جزء اركان سياست دنياي اسلام در خاورمیانه شدند. اين كار ايشان نسبت به شيعه بود.

#### فعالیت ایشان در ارتباط با شیعه و سنی

لبنان کشوری است كه مسيحي دارد با طوایف مختلف مسيحيت كه آنجا هستند، اهل تسنن دارد با نحله‌های مختلفي كه دارند، شيعه و فرقه‌های ديگری هم دارد. کشوری است كه کلکسیونی از تفكرات، مذاهب و اديان مختلف است. مجموعه‌ای بسیار ناهمگن است. مرحوم سيد موسي صدر از طرفی شيعه را عزيز كرد. آنجا يك روحاني و مجتهد جوان آگاه هشياري كه از قم رفت آنجا با روشن‌اندیشی، با روشن‌بینی خودش، بافکر و اخلاص خودش، شيعه را آبرومند كرد و شيعه را از آن جمعيت عقب‌مانده گرفتار و اسير توطئه‌ها به يك جمعيت و جامعه‌ی پرافتخار و سرافراز مبدل كرد. از طرف دیگر روابط شيعه و اهل تسنّن را به نحو بسيار خوبي تنظيم كرد

#### فعالیت ایشان در ارتباط با کشور لبنان

و از طرف ديگر ايشان جلوي تجزيه لبنان، نفوذ اسرائيل و از هم پاشيدن لبنان را گرفت و ازنظر علمي و حرکت‌های علمي، كارهاي بزرگي را در چند سالي كه آنجا بودند، انجام دادند. در حمايت از انقلاب ايران قدم‌های بسيار بزرگي برداشتند و در نشر و گسترش فكر اسلام كارهاي عظيمي انجام دادند. ايشان آن‌قدر سخنرانی‌های جالب، جذاب، پرمحتوا و عالمانه‌ای می‌کردند كه مسيحي، شيعه و سني، انبوه انبوه هجوم می‌بردند که از محضر ايشان در دانشگاه‌های مختلف و مجالس مختلف استفاده كنند.

به‌هرحال چهره‌ای با اين عظمت كه ما شايد مثلش را واقعاً كم داشته باشيم و باعث افتخار ما ايرانیان شيعه بود كه يك چهره این‌طور مي‌رود آنجا که هم شيعه را سرافراز كرد و هم وحدت ميان كل فرق و مذاهب ايجاد كرد و گفتگوي اديان را در آنجا راه انداخت و روابط قوي، سالم و روشن‌بینانه‌ای در آن مجموعه ايجاد كرد، در عين این‌که شيعه را به‌افتخار و اوج مجد و عظمت رساند. ايشان در سفري كه به ليبي داشتند كه قضایایش خيلي پيچيده است، ناگهان ايشان ناپدید می‌شوند و بعد از بیست‌وچند سال از 9/6/1357 تابه‌حال ايشان مخفي است. ايشان اگر زنده باشند الآن در حدود هفتادوچند سال بايد داشته باشند. به‌هرحال يك چهره‌ای با اين عظمت و با اين تأثيري كه می‌توانست هم براي شيعه، هم براي اسلام و هم براي لبنان داشته باشد، گرفتند و براي ما هم خيلي افتخار است كه يك ايراني به لبنان برود و آن‌طور موردعلاقه و استقبال همه فرق و طوايف در لبنان قرار بگيرد. به‌هرحال قدرداني از اين عالم بزرگوار اقتضاء می‌کرد كه چندجمله‌ای درباره او گفته بشود؛ بخصوص جوان‌های ما امروز بيش از هر زمان نياز دارند كه اين علما، اين چهره‌ها و اين دانشمندان بزرگ كه جزء مفاخر ما هستند را بشناسند. اميدواريم خداوند وسایل استخلاص ايشان را فراهم بفرمايد.

## هفته دولت

نکته بعدي این‌که هفته دولت به پايان رسيد و بحمدالله دولت جديد با تنفيذ مقام معظم رهبري و بارأی مجلس شكل گرفت و در هفته دولت هم خدماتي كه دولت در طول سال براي مردم انجام داده بود بر خویش بیان‌شده و طرح‌ها و پروژه‌هایی هم در شهرها و مناطق و استان‌های مختلف افتتاح شد.

### رهنمودهای رهبری به دولت‌مردان

آنچه مهم است آن سخنان و رهنمودهای جامع و ارزشمندي بود كه مقام معظم رهبري در نشست با رئیس‌جمهور و هيئت دولت فرمودند، كه قاعدتاً همه یا اكثر شما آن را گوش کرده‌اید و محورهايش را ملاحظه کرده‌اید. من نمی‌خواهم در مورد آن‌ها بحث کنم، به‌هرحال محورهای مهمي بود. تأكيدي كه ايشان براي نياز كشور به آرامش، وحدت و انسجام داشتند. تأكيدي كه ايشان براي حل مشكل اشتغال و مسائل مربوط به جوان‌ها داشتند. تأكيدي كه بر این داشتند كه دولت، مبارزه با فقر و فساد را بايد در سرلوحه كار خودشان قرار بدهد. تأكيد بر هماهنگي قواي كشور و نيروهاي مؤثر در كشور براي حل مشكلات مردم و این‌که بايد خودشان مشكلات را حل كنند و به‌صورت آرام و منطقي مسائلشان را حل كنند. تأكيدي كه ايشان با الهام از دستورات اسلام داشتند بر این‌که مجموعه كارگزاران و دولت اسلامي در قبال فكر، فرهنگ و اخلاق در جامعه مسئول است، امر مهمي بود. دولت اسلامي يك دولت ليبرال و غربي نيست كه بگوید: من شرایط را براي كار فرهنگي به‌طورکلی آماده می‌کنم، مابقی آن با خود مردم است. البته فكر و فرهنگ را بايد خود مردم بسازند و دين بايد در قلوب جامعه نفوذ داشته باشد و جامعه بايد دین‌خواه و دین‌دار باشند تا حكومت و نظام هم ديني بشود؛ اما درعین‌حال، اين مسئله، مسئوليت حكومت و نهادهاي فرهنگی را در قبال اخلاق مردم، عفت و پاک‌دامنی مردم، فكر نسل جوان و اندیشه ديني محو نمی‌کند. همه‌کسانی كه در مجموعه حكومت قرار دارند، همان‌طور كه در قبال ماديات، اقتصاد و حل مشكلات مسئوليت دارند، در قبال ناهنجاری‌های اجتماعي، خلق‌های ناپسند، رواج فساد و منكر و فرهنگ‌سازی ديني مسئوليت دارند. اين هم‌محور ديگري بود كه بايد موردتوجه باشد و اميدواريم كه در اين فصل جديد و برنامه جديد، ان‌شاءالله تلاش‌های خوب، منسجم و با وحدتي انجام بگيرد؛ براي این‌که به اين محورها و مسائلي كه لازم است توجه بشود و ان‌شاءالله روابط ملت و دولت هیچ‌گاه به آن روابط ناپسند و شرایطی كه مطابق با روح اسلام نيست، مبدل نشود و با روابط خوب و صميمي ان‌شاءالله همه ما و همه ملت و گروه‌ها و بر اساس توصیه‌ها و دستورهایی كه اسلام داده است آنچه در قانون اساسي آمده و آن خط‌مشی‌هایی كه رهبري تعيين می‌کند ان‌شاءالله همه دست‌به‌کارهای بزرگ و برنامه‌های اساسي در كشور بزنند و ان‌شاءالله باهمت و تلاش مسئولان و با خيرخواهي و دلسوزي آن‌ها ان‌شاءالله مشكلات كشور حل بشود.

## قدردانی از مسئولان شهر

من اینجا بايد تشكر كنم از همه مسئولان و همه‌کسانی كه براي پيشرفت كارها و برنامه‌ها در شهر تلاش كردند و اميدواريم كه مجموعه اداري ما در پايان هفته دولت به یاد مرحوم شهيد رجائي و باهنر، با همان دین‌داری، دین‌خواهي، دلسوزي، دوري از خلاف‌ها و تخلف‌های اداري ان‌شاءالله به رسيدگي به مردم و خدمت به مردم عزيز خداجو، شهیدپرور و ارزشمند ان‌شاءالله بپردازند.

## دعا

**«نسئلك اللهم وندعوك باسمك العظيم الاعظم الاعز الاجلّ الاكرم يا الله...، اللهم انصرالاسلام واهله واخذل الكفر واهله»**، خدايا دل‌های ما را به انوار و پرتوهاي معنوي قرآن كريم و اهل‌بیت عصمت و طهارت منور بفرما، ما را از پيروان راه و صراط مستقيم خودت قرار بده، قلوب ما را از همه خلق‌های فاسد و رذایل اخلاقي پاك و مصون بدار، به ما توفيق خودسازي و اصلاح نفس عنايت بفرما، خدايا نسل جوان ما را و ذريه ما را و آيندگان ما را از همه آفت‌ها و خطرها محافظت بفرما، خدايا جامعه ما را و جوامع اسلامي را از گزند حوادث و خطرها محافظت بفرما، خدايا از تو می‌خواهیم اموات ما، گذشتگان ما و گذشتگاني كه در نمازهاي جمعه شركت می‌کرده‌اند را غريق رحمت خودت بفرما، ارواح طیبه شهدا و شهيدان رجائي، باهنر و روح مطهر امام و همه شهدا را با اولياء خودت محشور بفرما، ما را ادامه‌دهنده راه آن بزرگواران قرار بده، شر دشمنان اسلام را به خودشان بازبگردان، خدايا همه خدمتگزاران به اسلام، همه خادمان به اين ملت، دلسوزان به اين جامعه، مردم عزيز و مقام معظم رهبري را مؤيد، منصور، محفوظ و مصون بدار. به همه ما توفيق خدمتگزاري به جامعه و به ديگران عنايت بفرما، سلام‌ها و درودهاي خالصانه، بی‌پایان، عاشقانه و مشتاقانه ما را در اين روز عزيز و گرامي به محضر آقايمان، مولايمان، سيدمان، سرورمان و امام غائب از انظارمان، حضرت بقیه‌الله (ارواحنافداه) ابلاغ بفرما، قلب نوراني او را از ما خشنود بدار، چشم ما را به جمال نوراني او روشن بفرما، در فرج آن حضرت تعجيل بفرما، **«بسم‌الله الرحمن الرحيم قل هوالله و احد الله الصمد لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفواً احد والسلام وعليكم ورحمه الله وبركاته[[11]](#footnote-11)»**.

1. . آل‏عمران : 102 [↑](#footnote-ref-1)
2. . العنكبوت : 69 [↑](#footnote-ref-2)
3. . النجم : 4 [↑](#footnote-ref-3)
4. **.** مجموعة ورام/ ج‏1/ ص 126 [↑](#footnote-ref-4)
5. . همان [↑](#footnote-ref-5)
6. . قرآن کریم، سوره فلق [↑](#footnote-ref-6)
7. . نهج البلاغة،خطبه 64 [↑](#footnote-ref-7)
8. . همان [↑](#footnote-ref-8)
9. . همان [↑](#footnote-ref-9)
10. . همان [↑](#footnote-ref-10)
11. . قرآن کریم، سوره توحید [↑](#footnote-ref-11)